

دعوي متقابل، از دعوي طاري و يکي از رق دفاعي است که از سو خوانده در مقابل دعوي خواهان تا اولين جلسه دادرسي به شرط داشتن ارتباط کامل يا اتحاد منشا با دعوي اصلي به موجب دادخواست اقامه مي شود ( ماده ۲۸۴ قانون آيين دادرسي مدني )

تهاتر، تساقط دو دين با مجموع ديوني که دو شخص در برابر يکديگر بر عهده دارند تا ميزان کمترين آن دو، ميباشد (۱) ماده ۲۹۴ قانون مدني ايران). (۱۲۹۸ قانون مدني فرانسه ) مقايسه دعوي متقابل با تهاتر، از حيث قلمرو و نقش دفاعي اند و حائز اهميت ميباشد .

مقايسه دعوي متقابل با تهاتر قهري

الف - از جهت تعريف :

قانون مدني ايران از تهاتر تعريف نکرده است اما آن را يکي از راه هاي سقوط تعهدات مدني معرفي نموده است ( ماده ۲۹۵ قانون مدني ايران ). آنچه که در نوشته هاي حقوق به عنوان تعريف تهاتر آمده، به لحاظ بررسي آثار و خصايص تهاتر در متون قانوني ميباشد.

تهاتر در حقوق انگليس، طريقي است که به موجب آن مديون دينش را از طريق طلبش کاهش ميدهد يا ساقط مي نمايد.(۲)

در نظام حقوق ما نیز، همین اثر در ماهیت تهاتر وجود دارد و در تعريف آن در نوشته هاي حقوقی لحاظ شده است.

مضافاً طبق ماده ۲۸۵ قانون آيين دادرسي مدني ، تهاتر، تنها طريق دفاعي معرفي شده است» در حالیکه، دعوي مقابل ، علاوه بر داشتن جنبه دفاعي ، دادراري جنبه تهاجمي نیز ميباشد و مي تواند، اضافه بر خواسته مطروحه در دعوي اصلي توسط خواهان، خواسته جديدي را متضمن باشد.

تهاتر ، در نظام حقوقی ما ، قهري است. تساقط دو دين، در صورت اجتماع شرايط قانوني ، منوط به اراده مديون و داین و توافق ارادا آندو، نیست . در تحقق تهاتر قهري ، نيازي به اقدام قضايي و تقديم دادخواست نیست. در حالیکه ، در دعوي متقابل، تقديم دادخواست ضرورت دارد زیرا آن، دعوي مستقل محسوب مي گردد و بنا براین، نياز به اقدام قضايي داشته و بدون دخالت دادرس و اصحاب دعوي، تحقق نمي يابد.

ب- از جهت فايده :

فايده تهاتر، ايفاي دين و تعهد مي باشد . زیرا ، با تحقق آن داین ، دينش پرداخته مي شود و ذمه مديون در برابر طلبکار بريء مي گردد.

تهاتر، مانع پرداخت مکرر و متقابل ديون توسط طرفين مي باشد که در نتیجه، مانع جا بجا شدن اموال مي گردد.

روشن است که جابجايي اموال متضمن خطراتي از قبيل سرقت و مفقود شدن مي باشد . تهاتر، در اين مورد، خطرات ناشي از جابجايي اموال را منتقي مي کند.

مضافاً اين که تهاتر داراي فايده تامين مي باشد. زیرا، گر میان دو طلبکار نسبت به ديون متقابل، تهاتر واقع نشود و هر یک متعهد باشند، در اين صورت امکان دارد ، یک طرف دين خود را بپردازد و طرف ديگر ، هنگام پرداخت دين خود با اعسار مواجه شده و طلبکار ( طلبکاري که دين خود را پرداخته است ) از وصول طلب خود محروم شود. (۳)

همین فايده در دعوي متقابل نیز وجود دارد. دعوي متقابل سبب کاهش هزینه ها و صرفه جويي در وقت براي تاديه دين و تاديه دين مي باشد.

خواهان با اقامه دعوي متقابل ، ضمن تعيين تکليف دعوي اصلي ، به خواسته خود نیز مي رسد.

اگر دعوای متقابل در مقابل دعوای اصلی قابل طرح نباشد، ممکن است خواهان دعوای اصلی، زودتر، موفق به اخذ حکم به نفع خود گردیده و محکوم به را از خوانده (خواهان دعوای متقابل) اخذ نماید و هنگامیکه، خواهان دعوای متقابل، بعداً ذیحق شناخته شد، با اعسار خوانده (خواهان دعوای اصلی) مواجه شود و بدین ترتیب، نتواند طلبی خود را وصول نماید. در واقع با تهاجر قهری از این جهت دارای فایده مشترک هستند. دعوای متقابل مانع صدور احکام متعارض می شود. به نظر می رسد، این فایده منحصر به دعوای متقابل است و تهاجر دارای چنین فایده ای نیست.

ج- از جهت شرایط:

۱- در تهاجر، تقابل میان دو دین شرط است. مقصود اینکه، تهاجر، منحصرآ میان دینی واقع می شود که بر عهده هر یک از دو نفر در برابر دیگری است. این شرط، تا حدی در مورد دعوای متقابل تیز قابل طرح می باشد. یعنی علیه کسی که به موجب دعوای اصلی در برابر او متعهد است.

با وجود این در حقوق انگلیس و آمریکا، دعوای متقابل منحصرآ در برابر خواهان دعوای اصلی قابل طرح نیست، بلکه این دعوای در مقابل دیگران (غیر از خواهان دعوای اصلی) می تواند طرح بشود. (۴)

بنا بعقیده عده ای، در دعوای متقابل وجود وحدت منشا ضرورت ندارد. در حالیکه در تهاجر، وحدت منشا در تقابل دو دین لازم است.

افزون بر مطالب بالا، در دعوای متقابل، معین بودن دو دین و تعهد شرط نیست. در حالیکه، در تهاجر، باید دو دین متقابل معین باشند.

۲- همجنس بودن موضوع دو دین:

طبق ماده ۲۹۶ قانون مدنی، تهاجر، منحصرآ میان دو دینی واقع می شود که موضوع آنها از یک جنس باشد.

در دعوای متقابل شرط همجنس بودن دو دین و تعهد ضرورت ندارد.

بنابراین اگر، موضوع دو تعهد از یک جنس نباشد، در قالب دعوای متقابل قابل طرح می باشد.

۳- آزاد بودن دو تعهد:

تهاجر میان دو دین و تعهدی واقع می شود که آن دین موضوع حق اشخاص ثالث قرار نگرفته باشد.

به نظر می رسد، این شرط در دعوای متقابل نیز ضروری باشد. بنابراین در صورتیکه موضوع خواسته دعوای متقابل نزد خواهان اصلی به نفع شخص ثالث باز داشت شده باشد، خواهان دعوای متقابل، نمی تواند نسبت به استرداد آن اقامه دعوی نماید، هر چند که دو دعوا دارای منشا واحد یا ارتباط کامل باشند.

پذیرش، دعوای متقابل، در این مورد موجب تضییع حق شخص ثالث می شود.

با وجود این عده ای بر این عقیده هستند که توقیف مال آن را از مالکیت شخص خارج نمی کند. بنابراین دعوای متقابل در مورد دین بازداشت شده، قابل طرح می باشد و آزاد بودن دودین در شرایط اقامه دعوای متقابل نیست. (۵)

۴- هر دو دین قابل استماع باشند:

اگر یکی از دو دین موضوع تهاجر، مشمول مرور زمان شده باشد، تهاجر میان دو دین واقع نمی شود در حالیکه، در دعوای متقابل، اگر مدت مرور زمان گذشته باشد، تا آخرین مهلت اقامه دعوای متقابل، حق اقامه دعوا دارد (ماده ۷۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی).

د- از جهت آثار

تهاجر، تساقط دو دین می باشد، در نتیجه بر اثر تهاجر، دو دین به میزان حد اقل، ساقط می گردد. به همین جهت تهاجر، از سقوط تعهدات شمرده شده است و در حکم ایفای دین محسوب می گردد.

ه- از نظر آیین دادرسی مدنی:

دعوي متقابل، بايد به موجب دادخواست اقامه شود ( ماده ۲۸۵ قانون آيين دادرسي مدني ) ولي ادعاي تهاتر، براي دفاع از دعوي اصلي مي باشد و نياز به تقديم دادخواست مستقل ندارد.

با توجه به اينکه، دعوي متقابل، بايد به موجب دادخواست اقامه گردد، بنابر اين رعايت کليه مقررات در مورد شرايط شکلي تقديم دادخواست ( ماده ۷۲ قانون آيين دادرسي مدني ) و هزينه دادرسي در آن ضرورت دارد. از نظر آيين دادرسي مدني ، دعوي متقابل در حقوق ايران، اختصاص به مرحله نخستين داشته و دادخواست دعوي متقابل، بايد قبل از جلسه اول دادرسي به دادگاه تقديم گردد.

اين مهلت زماني، در تهاتر، ضرورت ندارد. اظهار تهاتر ، به مهلت خاصي محدود نيست . آن هر زمان و در هر مرحله از رسيدگي دادگاه حتي در مرحله اجراي حکم قابل طرح و استناد ميباشد.

با وجود اين، تهاتر قضايي (۶) بنا به عقیده عده اي ، مانند دعوي تقابل نياز به تقديم دادخواست دارد و مقررات آيين دادرسي مدني در مورد ، آن لازم الرعايه مي باشد.

بحث تهاتر قضايي خود نيازمند، مقاله اي ديگر مي باشد که در اين مختصر نمي گنجد.

منابع :

۱- شهيدی ، دکتر مهدي ، سقوط تعهدات ، ناشر : کانون وکلای چ ۳۳ سال ۱۳۷۳ ، ص -set-off-۱۵۶ ، دادگستري مرکز ، فرهنگ حقوق بلاک ذيل واژه

۲- Set off the discharge of reciprocal obligation to the extents of the small obligation philip. R. wood ۵p.

۳- سنهوري ، الوسيط، ج ۳. ص ۸۷۴.

۴- سنهوري، ج ۳، ص ۸۷۸ تا ۸۸۳.

۵- دکتر شمش، تقريرات دوره فوق ليسانس

توضيحات :

۶- تهاتر قضايي، تهاتري است که حصول آن با راي دادگاه ثابت مي شود.

نويسنده : محمد سلوکی